کسب و کار

بازخورد مشتری شر ضروری نیست

تقریبا در تمام رستوران‌های دنیا موقع پرداخت صورت‌حساب، این دیالوگ بین مشتری و صندوقدار اتفاق می‌افتد: از غذا راضی بودید؟

-خوب بود، ممنون.

گاهی هم گارسون‌ها بعد از سرو غذا، در سالن رستوران چرخ می‌زنند و همین سوال را می‌پرسند: «همه چیز خوبه؟» «بله، ممنون.» تقریبا همه مشتری‌ها جواب مثبتی می‌دهند یک عکس‌العمل ناخودآگاه و اتوماتیک.

یا «دوبه سیر بجات کافی بود یا زیادی ادویه داشت؟» او فقط می‌خواهد مطمئن شود که غذا قابل قبول بوده تا قرآنند غذاخوری ادعه پیدا کند. مشتری‌ها نیز معمولا از ارائه بازخورد سازنده و واقعی صرف نظر می‌کنند، چون ترجیح می‌دهند آداب اجتماعی را رعایت کنند.

در نتیجه از تعامل طولانی با گارسون‌ها اجتناب می‌کنند تا کلاس اجتماعی خود را حفظ کرده باشند.

هر دو طرف در این گفت‌وگو، بازنده هستند. رستوران‌دار، فرصت شنیدن نارضایتی‌ها، بهبود غذاها و افزایش اعتبار و مشتریان را از دست می‌دهد. مشتری نیز از تجربه‌ای که داشته، لذت نمی‌برد و حتی ممکن است علاقه‌اش به آن رستوران را از دست بدهد و دیگر آنجا را پاتوق خودش ندانند.

اخیرا «اسنپ» یکی از نویسندگان این مقاله، همراه با همسرش میشل به یک رستوران شیک در بروکلین رفته بودند که یک دیالوگ متفاوت را در آنجا تجربه کردند. سرآشپز شخصا غذایی را معرفی کرد که ترکیبی از چند ماده غذایی «لوکس» بود. اما غذای جالبی نبود. اصلا میشل و اسنپ موجبه لقمه را به زور، کمی از آن را خوردند. در واقع، با غذایشان بازی بازی کردند. قاعدتا باید یکی از گارسون‌ها از کنارشان رد می‌شد و همان سوال همیشگی «همه چیز خوب است؟» را می‌پرسید. اما این اتفاق نیفتاد.

در عوض، سرآشپز سر میزشان آمد، تاکید کرد که به دنبال «لذت بخشیدن» نیست و سپس یک سوال هدفمند پرسید: «من مدتی است که دارم روی ترکیبات این غذا کار می‌کنم و تغییرش می‌دهم و می‌دانم که محتویاتش زیادند، اما آیا با ذائقه شما جور درآمد؟» اگر جواب صادقانه نگیرم، نمی‌توانم از کارم پیشرفت شوم» صمیمیت و احساس اطمینانی که سرآشپز با خودش به گفت‌وگو آورد، باعث شد اسنپ و میشل احساس امنیت کنند و نظر واقعی‌شان را بگویند؛ اینکه غذا برایشان جالب نبوده است.

بعدا‌ولا، باعث شد احساس کنند بیشتر به گفت‌وگو و موقعیت رستوران علاقه پیدا کرده‌اند. چند هفته بعد، دوباره به رستوران برگشتند تا ببینند آیا غذای مربوطه بهتر شده یا نه. بسیاری از کسبوکارها از این اصل عملیاتی اساسی غافل شده‌اند. آنها با مقوله بازخورد مشتری، مثل یک «شر ضروری» برخورد می‌کنند که باید انجام شود اما با کمترین هزینه ممکن و بدون هیچ گونه سختی. با درسر، شرکت‌های کوچک‌تر که برای یافتن منابع تحت فشارند، ممکن است تلاش چندانی برای دریافت بازخورد از مشتری نکنند. مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط معمولا تصور می‌کنند که یک مکانیزم دریافت بازخورد درست و حسابی، برای شرکت آنها یک چیز لوکس و غیرضروری است که باید صبر کنند تا وقتی گسترش یافتند، بعد فکری به حالش کنند.

اما این تفکری کوتاه‌بینانه است چون اثربخشی عملیاتی در گرو اصلاح چیزهایی است که «از نگاه مشتری» نیازمند تغییرند. دریافت بازخورد بسیار مهم و حیاتی است، اما بازخورد تنها زمانی ارزشمند است که حقیقی باشد. چالشش اینجاست که مشتری‌ها معمولا از چنین گفت‌وگوهایی فرار می‌کنند و متاسفانه، کسب و کارها نیز معمولا با رویگردانی در رابطه با دریافت بازخورد، این بی‌میلی را تقویت می‌کنند. در نتیجه، کل سیستم به قدری مبهم و محدود است و از هدف اصلی‌اش دور شده که در بسیاری از شرایط، شبیه به یک تشریفات یا رسومات می‌افتد که حتی ممکن است ارزش را نابود کند.

چاره مشکل چیست؟

تقصیر این چرخه ناکارآمد بازخورد، هم بر گردن شرکت‌هاست و هم مشتری‌ها. سیستم‌های دریافت بازخورد در شرکت‌ها معمولا با دو هدف طراحی می‌شوند: «بهبوات دریافت اطلاعات از مشتری و تعیین کمیت» به همین دلیل است که بعد از اتمام هر مکالمه یا شرکت‌ها از ما می‌خواهند «لطفا پس از گفت‌وگو، در نظرسنجی ما شرکت کنید» یا «به ما از یک تا پنج امتیاز دهید».

آخرین چیزی که یک مشتری می‌خواهد این است که پس از گفت‌وگوی تلفنی با خدمات مشتری، گوشی را قطع نکند و زمان بیشتری را پشت خط بگذراند. گاهی به ندرت پیش می‌آید که مشتری سعی می‌کند به صورت حضوری، بازخورد صادقانه ارائه دهد که معمولا در این شرایط، با کارمندهایی مواجه می‌شود که حالت تدافعی به خود گرفته‌اند و باد گرفته‌اند که به جای جستجو برای دریافت بازخورد عملی، وضعیت را «خنثی سازی» کنند.

اتفاقا جالب است بدانید که بهترین راه برای خنثی‌سازی شرایط، ابراز علاقه مشروع به شنیدن بازخورد است.

مشتری‌ها هم در ایجاد این وضعیت نقش دارند. بشر به طور غریزی از ریسک و درگیری اجتناب می‌کند. به همین نمی‌دهند که بخواهیم به مشکلی بی ببریم. آنها معمولا رهایشان می‌کنند و می‌روند، بدون هیچ گونه هشدار قبلی، فقط یک روز تصمیم می‌گیرند بروند و دیگر برنگردند.

پس مشکل اصلی که باید حل شود این است: مکانیزم «رسمی» بازخورد شما ممکن است به شما نشان دهد که «همه چیز خوب است». اما کسی چه می‌داند شاید یکی از خدمات‌تان با مشکل مواجه باشد. همین مشکل ساده می‌تواند منجر به سقوط مارپیچی و لافت وجهه شما شود که جمع کردنش، خیلی سخت‌تر است. درست مثل هر بیماری‌ای، پیشگیری یا تشخیص زودهنگام، خیلی بهتر از درمان‌های سخت است. وقتی که شرایط از کنترل خارج می‌شود.

مترجم: مریم مرادخانی
منبع: HBR

سند جدید ملی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی به زودی ابلاغ می‌شود

مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران با اعلام اینکه در دولت سیزدهم ۱۸۰۰ پروژه بازآفرینی در بافت‌های فرسوده در دست اجراست، گفت: سند جدید ملی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی در دولت تصویب شده و به زودی ابلاغ می‌شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی، محمد آیینی معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران، امروز نوشته ۱۰ مهر در مراسم گرامیداشت روز جهانی اسکان بشر با شعار اقتصادهای شهری تاب‌آور، شهرهایه منابه پیشران رشد و احیا، گفت: سند جدید ملی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی در هیات دولت تصویب شد و به زودی ابلاغ می‌شود.

مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران، ادامه داد: عملیات نوسازی بیش از ۱۵۳ هزار واحد در دولت سیزدهم آغاز شده که از این تعداد، حدود ۴۹ هزار واحد به پایان رسیده است.

مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران، ادامه داد: به اینکه ۱۸۰۰ پروژه در بافت‌های فرسوده در حال اجراست، افزود: پیگیری برنامه جامع اقدام مشترک بر اساس تامین منابع تمام دستگاه‌های ذینفع در قالب برنامه هفتم توسعه تدوین شده و پیگیری می‌شود.

آیینی گفت: اعطای سند به ساکنان در بافت‌ها از دیگر اقدامات برای ساماندهی بافت فرسوده است. در سال گذشته بیش از ۱۵ هزار متقاضی برای دریافت سند ثبت‌نام کردند.

به گفته آیینی، دولت سیزدهم با هدف تامین مسکن به خصوص برای دهک‌های کمتر برخوردار برنامه‌هایی از جمله نهضت ملی مسکن، احداث شهرک‌های جدید در شهرک‌های ساحلی را در برنامه دارد.

وی کاهش قیمت تمام شده مسکن را به عنوان رویکرد دولت عنوان کرد و گفت: دولت سیزدهم به صورت منسجم به دنبال کاهش قیمت تمام شده مسکن است.

معاون وزیر راه و شهرسازی با اشاره به نهمکنی گفت: شناسایحتسی به جریان نوسازی بافت‌های فرسوده با هدف ارتقای زیمنی ساکنان در این بافت‌ها از دیگر برنامه‌های دولت است.

دلمان می خواهد سینما هجرت باقی بماند

خاقی نژاد- محله قدیمی دانشکده کشاورزی که بوی خاطره می دهد نزدیک به دانشکده، یعنی بنزین قدیمی کرج و در ادامه مسیر بیمارستان امام قرار گرفته است. محله ای که قدیمی ترین سینمای کرج در آنجا واقع شده است. سینما یکی از شاخص‌های مهم فرهنگی در شهرسازی است. به عبارتی اگر بخواهیم میزان توسعه یافتگی شهرها را بسنجیم یکی از مهمترین بخش شاخص‌های فرهنگی سالن‌های سینما است.

اما چند سالی است که در کرج مد شده ساختمان ها را خراب کنیم تا خودروها راحت تر تردد کنند. خراب می کنیم تا جاده ها وسیع تر و پهن تر شوند، مبادا در ترافیک بمانیم؛ چرا که آن قدر خودرو تولید کرده ایم و سیستم حمل و نقل درون شهری ما کمبود داشته است که دیگر کم آورده ایم و تسلیم شده ایم. حالا خودروها سوار بر ما لمان ها شده اند. به بهانه توسعه یافتگی سالن قدیمی سینما را نشانه رفته ایم. سینمایی که از یک طرف چشم به قلعه صمصام و ازطرف دیگر به پل خاتون دارد. سینمایی که می توانست به یکی از مهمترین قطب‌های فرهنگی بدل شود که هم جامعه گرشنگری داشته باشد و هم امکانات بسیاری را در اختیار خردمندان قرار دهد، اما مانند نه چندان دور دهه‌های برای بناهای تاریخی و قدیمی این شهر نسخه می پیچیم و تصمیم می گیریم تا خرابش کنیم.

شهریور سال جاری بود که زمزمه تخریب و جابجایی سینما هجرت مطرح شد. طی این سال ها با توجه به کمبود اعتبار که همیشه در بخش فرهنگی بیشتر خود را نشان می دهد و به بهانه این که محل تجمع معتادین و قرار خلاف کار شده فعال کردن و دست کشیدن به سر و روی این سینما به دست فراموشی سپرده شد. سالن سینمایی که زمانی علاقمندان به هنر در آن قرار داشتند، حال با بی مهری به لبار و مکانی سوت و کور تبدیل شده که تنهایی خلمان ها و قراره معتاد در آن می خوابند یعنی باخراب کردن این مکان آنان نیز محلی برای زندگی ندارند.

صندلی هایی که فرسوده شده و مکثی که زمانی توسط آبارتچی‌ها نمایش داده می‌شد و امروز تنها یک خاطره و تابلو نود گرفته از آنها باقی مانده است.

به راستی چرا کسی تاکنون یاد این سینما نبود، تا دستی به سر و روی و رونق کرج به تهران بکشد؟ چرا میلیاردها تومان صرف برنامه هایی که نه نام فرهنگی را به دک می کشند شده اما برای فعال کردن یا تبدیل کردن این مکان فرهنگی کسی آستین بالا نمی زند؟

قصد نداریم به این تصمیم بیندیشیم.

در نظر سنجی که در میان مردم شهر کرج انجام شد چندین طیف شرکت داشتند، برخی معتقدند تبدیل شدن سینما هجرت به مکانی فرهنگی آنچه که پیش از هر چیز مشخص است این است که با تخریب و از بین رفتن سینما‌ها، بدون شک بخشی از هویت فرهنگی و تاریخی منطقه نابود می‌شود.

اما مالک این مکان که حوزه هنری و سازمان تبلیغات اسلامی است به علت ضرر و زیان‌هایی که در سال‌های اخیر متحمل شده اند، خواستار تغییر مکان آن شده اند و از طرفی برخی از اهالی و کسبه اطراف نیز تقاضای احیا و بازگشایی دوباره سینما را دارند و برخی خواستار واگذاری مغازه های خود شده اند. خواسته‌ها متفاوت موجب شده تا بانگاهی دقیق تر به جابجایی این طرح بنگریم تا آن چه به صلاح این شهر است، انجام شود.

در این جا فرسودگی بافت مطرح می شود که اگر حادثه ای رخ دهد چگونه می توان باستگو بود! اما نکته ای که حائز اهمیت است، تخریب سینما درخواست مدیریت شهری کرج نیست، بلکه درخواست متولی آن یعنی حوزه هنری است.

اگر قرار است مطالبه ای توسط شهروندان صورت گیرد حفظ مجموعه ارزشمند است وقتی وارد کرج می شویم سینما می بینیم، در شعاع ۱۰۰ تا ۱۵۰ متری آثار هنری از جمله قلعه صمصام، خاتون، خیابان دانشکده، شاه عباسی و مغازه های قدیمی وجود دارند که در بررسی تغییرات در این منطقه باید به «مهندسی ارزش» طرح توجه شود. عده ای دیگر معتقدند ما در این شهر سرمایه های بسیاری را از دست داده ایم، در این منطقه چنارهای قدیمی و بزرگی قرار داشتند که با بی توجهی به محله بسیاری از آنها از دست رفت. با برنامه ریزی صحیح پتانسیل خوبی برای گردشگری و سرمایه گذاری است تنها چند مکان باقی است تا فرصتی برای آن ایجاد شود و از این فرصت استفاده کرد.

عده ای معتقدند اگر درکشورهای پیشرفته نیزی توسعه رخ داده بسیاری از مکان های قدیمی حفظ شده باتوجه به این نگرش اگر قرار است به بهانه حل مشکل ترافیک سینما هجرت و اطراف آن تخریب شود چه تضمینی وجود دارد که آثار تاریخی ما آسیب نبینند و مشکل ترافیک هم حل شود؟

گروهی دیگر معتقدند که اصلا نباید است که تبدیل به محاق شویم شهر ملک ما نیست کسانی که مسئولیت دارند صاحب و مالک این شهر نیستند و باید نظر مردم این شهر را نیز جویا شوند، اما از طرفی این بحث باید کارشناسی شود و حتی اگر جابجایی انجام شود آیا کمکی به آبادی این شهر می کند یا خیر؟ اگر این طرح مطالعه شده باید دقیق انجام شود و آرا و نظرات منتشر شوند و برای سینماهای شهر رفتگری درست ارائه شود و بهترین راه آن اگر رسیدگی است.

از طرفی در افکار سنجی اگر شهروندی ناگاه باشد و اطلاعات دقیقی ندارد و یا تعلق خاطری نسبت به این منطقه نداشته باشد و یا هرگز با به این سینما نگذاشته و یا کسی که از تهران به سمت کرج در حرکت بوده و در این منطقه با ترافیک سنگینی مواجه شده نظر خاصی نخواهد داشت بنابراین باید به شهروندانی که تعلق خاطری دارند بحث و گفت و گو کرد.

عده ای دیگر بر این اعتقادند که نظرسنجی اگر انفاق بیفتد در اندا آیا شاخصی از این مسیر دارند یا خیر؟ تفاوت شهروند آگاه و یا ناآگاه و یا عدم اعتماد به کارشناسان مربوطه در این تصمیم گیری نقش دارند شاید تخریب این سینما باعث کاهش ترافیک شود اما به صرف سینما راضی به تخریب خواهیم شد؟ و همین تخریب شامل مغازه های اطراف و قدیمی این منطقه نخواهد شد؟ تکلیف بمبزین و عکاسی قدیمی چیست؟

سوالاتی که در این حوزه مطرح می شود که اگر هدف مشخص شده و با استفاده از «مهندسی ارزش» بررسی شود در نهایت بهبود عبور و مرور انجام می شود؟ نمی توان جایگزینی برای آن پیدا کرد؟ تاثیرات فرهنگی و معیشت قرار این منطقه را باید در نظر گرفت اگر کارشناسانی باشند که دغدغه فرهنگ و بهبود کرج این شهر را دارند طرح و برنامه ای جایگزین برای آن دارند که بتوان ترافیک این منطقه را جابه جا کنند چگونه و به چه شکل خواهد بود؟

مدیریت شهری در حوزه ترافیک و حوزه هنری در بحث جابجایی سینما وظیفه دارند تا افکار عمومی را قانع کند که اگر این طرح انجرا شود، باعث بهبود این منطقه شده و شهر از این حالت خارج می شود؟ یکی از مطالبات مردم یاجمع ناخبگان این است که به دلیل کافی برای جابه جایی سینما هجرت چیست؟ حوزه هنری به جای این مکان چه اقدماتی قرار است انجام دهد؟

اما نظر و عقیده طیفی از مدیران سابق این شهری نیز جالب توجه بود یکی از آنها ساختمانی را در فرانسه مثال زد که بسیار زشت و مدرن است با ساختمانی زیبا در سرح کلن ساخته شده است یا برخی اماکن که در شهر لندن واقع شده و با بار ترافیکی بسیار بد اما وجود دارند می گویند "لیار به دلیل نیست که ما لمبار کنیم این مکان باقی نمانده ما شهروندان با این منطقه خاطره داریم در زمانی که جنگ بود و فضای سخت قرار داشتیم ما دانش آموزان تنها استشمام رفتن به این سینما بود هر چقدر هم امکانات نداشت، اما به هزار و یک دلیل دلمان می خواهد باقی بماند این حق را داریم."

جالب توجه بود که یکی از آنان عنوان کرد: "به دنبال بنای مستحکم آن نیستیم به عنوان شهروندی که با آفتابه طراحی کرده ایم و در شرایطی که امکانات لازم می بهره بودیم ارائه کرده و ساختیم الان هم ارائه داریم که این مکان را تبدیل به مکانی فرهنگی کرده و برای کاهش بار ترافیکی این منطقه نیز راهکار ارائه نمیم."

بله سینما تمام شد ما دنبال سینما نیستیم، ما به دنبال «هویت» هستیم که بوده و هست اینها نماد چراغ قرمز است فکر ما باید چراغ ارتباط برقرار می کند سینما هجرت هم، همین طور است با دیدن آن هویت ها را به یاد می آوریم ما حق نداریم هویت ها را از مردم بگیریم. خیابان دانشکده با همین ترکیب خوب است، لزومی ندارد خودروهای ما برای ما تعیین تکلیف کنند مغازه های قدیمی و نوع و ترکیب این منطقه همین گونه خوب است اگر لازم است ساماندهی شود ظرفیت خوبی برای سنگفرش شدن و پیاده راه دارد.

به لحاظ اجتماعی و هویتی نیاز داریم تا رگ و ریشه حتی چند هزار نفر اخیا شود و به یادگار بماند. دانش آموزانی که در مدرسه دهخدا یا هنرستان فارابی تحصیل کرده اند یا مغازه های قدیمی این منطقه ارتباط دارند در تهران نیز منطقی وجود دارند که از قدیم حفظ شده اند بستی فروشی "عمو کاظم" یا همان عکس ها و همان مغازه حفظ شده است. بهتر یعنی همین دهکده کرج آب باد، دانشکده و مدرسه استقلال همه خاطره اند هنوز برخی از محله های قدیمی با وجود تغییر نام به همان نام قدیمی شناخته می شوند مثلا خیابان شهریاری که هنوز راننده های تاکسی و اهالی قدیمی محل با همان ایستگاه شهریاری نام می برند همه اینها ارزش است.

ترافیک هم حل شود؟

کاشت ۳۰ هزار بوته گل فصلی در معابر منطقه ۶ کرج

سرپرست منطقه ۶ شهرداری کرج از کاشت بیش از ۳۰ هزار بوته انواع گل‌های رنگارنگ برای زیباسازی معابر، میادین و بوستان‌ها همزمان با آغاز فصل پاییز خبر داد.

به گزارش پیام آشنا، محمد رضا آزیر اظهار کرد: هرساله با شروع فصل پاییز کار آماده‌سازی بستر خاک، حذف گل و شاخ و برگ‌های خشک شده، وجین علف‌های هرز، پالیز، بذر پاشی و گلکاری گل‌های فصلی پاییزی در حاشیه بلوارها و میادین و فضای سبز شهری انجام می‌شود این مسئول خاطر نشان کرد: امسال نیز بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته بیش از ۳۰ هزار بوته گل فصلی پاییزه در سطح منطقه کاشته شده است که شامل گونه‌های داوودی، کلم و کرویسیس و... است. وی اضافه کرد: مهمترین عامل در تداوم وجود این گل‌ها در معابر و بوستان‌ها، همراهی شهروندان و پرهیز از کندن گل‌هاست که امیدواریم این امر در این فصل از سال برای دوچندان کردن زیبایی‌های فصل پاییز به خوبی رعایت شود.

سرپرست منطقه ۶ شهرداری کرج در پایان با بیان اینکه کاشت گل در سطح منطقه ادامه خواهد داشت، افزود: علاوه بر گل کاری، رنگ‌آمیزی مبلمان شهری و پایه چراغ‌ها و ترمیم روشنایی و وسایل بازی بوستان‌ها نیز از دیگر اقدامات است.

دیدگاه

تعداد معماران بیش از اندازه است، تعداد دانشکده‌های معماری بیش از اندازه است و تحصیل معماری بیش از اندازه محبوب است

ایلیاز نگلیس

ما {معماران} با خودنمایی‌های عنان گسیخته خود معماری را بی‌جهت شلوغ می‌کنیم. اگر بپذیرید که معماری از زبانی مشترک پیروی می‌کند جنگله همیشه کرده است- آنگاه به این ترتیب {می‌توان گفت که معماری} آسان است. البته که فرهنگ‌های معماری، وجود داشته‌اند که منعکس کننده تفاوت‌های تمدنی بوده‌اند، وهمواره معماران خوبی وجود دارند که معماری بهتری تولید می‌کنند؛ نسبت به دیگرانی که این کار را نمی‌کنند. این امر مسئله کاملاً متفاوتی را پیش می‌کشد؛ این که تعداد معماران بیش از اندازه است. تعداد دانشکده‌های معماری بیش از اندازه است و تحصیل معماری بیش از اندازه محبوب است.

{...} به نظر می‌رسد که ما بیش از اندازه مدارس معماری خوب و مدرسان معماری خوب وجود داشته باشند، اما {در حال حاضر} تعداد بسیار بسیار زیادی {مدرسه و معلم معماری} وجود دارد و همه آنها خوب نیستند. همانطور که لئون {کریر} سال‌ها پیش گفت: تصفیه مدارس معماری باید تعطیل شود. ورود به مدرسه معماری باید سخت‌تر باشد و معیار پذیرش نباید بر اساس الزامات درآمدی مدرسه‌ها باشد. باید راه‌های بیشتری برای تسهیل انتقال دانشجویان به رشته‌های دیگر پس از سال اول {تحصیل در معماری} وجود داشته باشد. گفتن {این موضوع} به دانشجویان در اینده‌ای تحصیلشان مسئولیت مهمی است که ما-متاسفانه در نظام آموزشی امروز کسی آن را بر عهده نمی‌گیرد. دو سال اول تحصیل در معماری باید آزمایشی باشد، اما {آیین دوسال} باید همچون اعتبارنامی تحصیل درشته‌ای دیگر محاسبه شود. یک نفر باید آنچه را دانشجویان در آن استعداد دارند کشف کند. در این سطح، تدریس تا حدی شبیه بازی کردن نقش یک قابله معماری است {که قابلیت‌های دانشجویان را شناسایی و به منصه ظهور می‌رساند}. (در گفت‌وگو با Cynthia Davidson، منتشر شده در مجله Log، شماره ۳۰، سال ۲۰۱۴)

منبع: آفتار

محیط زیست

قانون منع فروش ظروف پلاستیکی یکبارمصرف در انگلیس اجرا شد

قانون منع فروش ظروف پلاستیکی یکبار مصرف از روز یکشنبه در انگلیس به اجرا گذاشته شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از آناتولی، طبق این قانون، کسب و کارها دیگر نمی توانند کارد و چنگال پلاستیکی یکبار مصرف، بشقاب و سینی های «پلی استایرن» بفروشند.

با این حال، این ممنوعیت شامل ظروف و سینی های پلاستیکی مورد استفاده در غذای آماده یا برای مواد غذایی از پیش بسته بندی شده در فروشگاه ها نمی شود.

در بیانیه ای در ماه مه دولت انگلیس اعلام کرد فروشندگانی که پس از پایان مهلت مقرر به عرضه پلاستیک های ممنوعه یکبار مصرف ادامه می دهند، ممکن است جریمه شوند.

سال گذشته، ممنوعیت مشابهی نیز در اسکاتلند اجرایی شد.

بر اساس ارقام پلتفرم آنلاین Statista که در ماه اوت منتشر شد، تخمین زده می‌شود که خانوارهای انگلیسی سالانه ۱۰۰ میلیارد قطعه بسته‌بندی پلاستیکی را دور می‌اندازند.

مصرف بشقاب های پلاستیکی یکبار مصرف، کارد و چنگال، نی، جوب بادکنک نیز در سال ۲۰۲۱ میلادی در اتحادیه اروپا ممنوع شد.

این قانون شامل اقلام یکبار مصرف از جمله قاشق و چنگال و بشقاب پلاستیکی، لیوان پلاستیکی، نی نوشیدنی، گوش پاک‌کن و چوب‌های پلاستیکی متصل به بادکنک می‌شود. همچنین قطعاتی که برای نگهداشتن لیوان قهوه و لیوان‌های نوشیدنی ساخته شده از پلیمرهای مصنوعی تهیه شده‌اند نیز دیگر به بازار عرضه نخواهند شد.

سالانه ۳۰۰ میلیون تن پلاستیک تولید و بیشترش به محل های تلنبار یا دفن زباله یا به دریاها و اقیانوس‌ها ختم می‌شود که به محیط زیست لطمه و به زیست گیاهی و جانوری آسیب جدی می‌زند.

همچنین کارشناسان تخمین زده‌اند که تا سال ۲۰۴۰ بین ۲۳ تا ۳۷ میلیون تن زباله وارد سیستم‌های آبی و دریایی دنیا شود.

پلاستیک ها منجر به آلوده کردن سیستم‌های آبی و خاک به دلیل تجزیه پلاستیک‌ها به میکروپلاستیک‌ها و آلوده شدن روخانه‌ها، اقیانوس‌ها و اکوسیستم‌های آبی جهان می‌شوند. تنها کمتر از ۱۰ درصد پلاستیک بازیافت می‌شود و فرآیند بازیافت آن نیز پیچیده است و مشکلات لجستیکی بسیار بیشتری نسبت به حذف کامل پلاستیک‌های یکبار مصرف دارد.